

# تبیین مؤلفه‌های قدرت آفرین فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی

## ایران در دوران دفاع مقدس

محمد رضا میرزایی<sup>۱</sup>، حسن جعفرزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از این حوادث حساس، تهاجم نظامی گسترده‌ی رژیم بعث عراق بود که ضد این انقلاب آغاز شد. همچنان که تهاجم در حال تولد بود، حماسه‌ای برتر از درون فرهنگ و باورهای ژرف ملت‌ی مؤمن سرچشمه می‌گرفت. این حماسه که «دفاع مقدس» نام گرفت، روزبه‌روز بالنده‌تر شد و چونان کوهی استوار در برابر تهاجم دشمن قد علم کرد. همین کافی بود تا دشمن را متقاعد سازد در محاسباتش دچار اشتباهی بزرگ شده است. به‌راستی چرا دشمن نتوانست ظهور این حماسه را پیش‌بینی کند؟ به‌عبارت‌دیگر بنیان‌های قدرت دفاعی جمهوری اسلامی روی چه عوامل فرهنگی‌ای بنا شده بود که توانست در برابر تهاجم دشمن بعثی مقاومت کند؟ از این‌رو هدف این تحقیق، مشخص ساختن بنیان‌های فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران طی ۸ سال دفاع مقدس است. روش این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که با توجه به منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بود که طی آن رزمندگان اسلام با تکیه بر عناصری چون مقاومت و پایداری، اخلاص، یاد خدا، ایثار، شهادت، فرهنگ عاشقورایی و ... توانستند حماسه‌ای خلق کنند که در نهایت توانست ضمن تثبیت انقلاب اسلامی زمینه‌ساز اقتدار ملی ایران در بُعد داخلی و بین‌المللی شود.

واژگان اصلی: فرهنگ دفاعی، قدرت، دفاع مقدس.

۱. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

۲. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس؛ ایمیل: jafarzadeh.hassan@yahoo.com

## مقدمه

در فرهنگ اسلامی، دفاع از جان، مال، زن و فرزند، وطن و سرزمین، شرف، ملیت و استقلال کشور از مقولات مقدس و مورد اتفاق همه‌ی انسان‌هاست. هیچ فردی و هیچ قوم و ملتی تسلیم در برابر متجاوز را نمی‌پسندد. مردم با هر عقیده و آئینی، دفاع از سرزمین خود را امری مقدس و قابل تحسین می‌دانند. دستور به مقاومت در برابر متجاوزان اختصاص به مکتب اسلام ندارد، بلکه هر ملتی آن را مشروع و حق مسلم خود می‌داند. در مکتب قرآن، این اصل در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است:

«وَكُولا دَفَعُ اللهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْأَمَّتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللهِ كَثِيرًا»؛ «اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد».

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَاِنَّ اللهَ عَلىٰ نَصْرِهِم لَقَدِيرٌ»؛ «به کسانی که جنگ بر آن‌ها تحمیل گردیده، اجازه‌ی جهاد داده شده است؛ چراکه موردستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست».

«قَاتِلُوا فِى سَبِيلِ اللهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَاِنَّتَعَدُوا ان اللهَ لايحب المَعْتَدِينَ»؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد».

بنابراین دفاع در برابر تهاجم دشمن از اصول اولیه است که باید بدان پرداخته شود. در میان تمام دفاعیاتی که توسط انسان در برابر حمله‌های گوناگون صورت می‌گیرد، مقدس‌ترین و باارزش‌ترین آن‌ها دفاع از عقیده است و بدون شک دوران هشت‌ساله‌ی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از افتخارات بزرگ و بی‌نظیر ایران اسلامی است. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «دوران دفاع مقدس، اوج افتخارات ملت ایران است». با نگاهی گذرا به انقلاب اسلامی ایران، در خواهیم یافت که هر تهدید و خطر دشمن جلوه‌ی خاصی به این انقلاب شکوهمند داده است.

۱. حج، آیه‌ی ۴۰.

۲. حج: آیات ۳۸ و ۳۹.

۳. بقره: آیه‌ی ۱۹۰.

## بیان مسأله

یکی از حوادث حساس، تهاجم نظامی گسترده رژیم بعث عراق بود که ضد این انقلاب آغاز شد. همچنان که تهاجم در حال تولد بود، حماسه‌ای برتر از درون فرهنگ و باورهای ژرف ملتی مؤمن سرچشمه می‌گرفت. این حماسه که «دفاع مقدس» نام گرفت، روزبه‌روز بالنده‌تر شد و چونان کوهی استوار در برابر تهاجم دشمن قد علم کرد. همین کافی بود تا دشمن را متقاعد سازد در محاسباتش دچار اشتباهی بزرگ شده است. به‌راستی چرا دشمن نتوانست ظهور این حماسه را پیش‌بینی کند؟ این عوامل ناپیدا از دید دشمن، موازنه‌ی قدرت را که در ظاهر به‌نفع او بود، برهم زد، عوامل فرهنگی و معنوی بود. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «آن‌ها حساب همه‌چیز را می‌کردند، إلا یک حساب و آن حساب، معنویت بود. آن‌ها توجه به این نداشتند که ملت همه‌باهم علاقه به خدا دارند و علاقه به اسلام» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۲۷۷). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره فرموده است: «محاسباتشان از عنصر «توکل» و «ایمان به خدا» خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند» (حدیث ولایت، ج ۵، ص ۱۲۴). دفاع مقدس طی هشت‌سال، نه تنها بنیان‌ها و مؤلفه‌های ملی را در کشور تخریب نکرد، بلکه زمینه‌ساز اقتداری شد که سالیان بعد در بُعد داخلی، منطقه‌ای و جهانی سبب تحولات بی‌شماری شد.

دشمنان انقلاب و اسلام پس از اینکه دریافتند نمی‌توانند از لحاظ نظامی بر ملت اسلامی ایران غلبه کنند، تصمیم گرفتند این بار از لحاظ فرهنگی و قدرت نرم اهداف خود را پیش ببرند. تغییر رویه‌ی غرب در مقابله با نظام اسلامی جمهوری اسلامی ایران از جنگ سخت به جنگ نرم مبتنی بر القای تفکرات ضدایدئولوژی اسلامی در بین مردم، انتخاب دفاعی مناسب و متناسب را ضروری می‌کند؛ دفاعی که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی، تأکید بر تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و توجه به نگاه ایجابی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مقوله‌ی فرهنگ امکان‌پذیر خواهد بود. رهبر انقلاب در باره‌ی مقوله‌ی «فرهنگ» خاطر نشان کردند: در میان سه عنصر کلیدی برای افزایش اقتدار کشور، «فرهنگ» از همه مهم‌تر است؛ زیرا با باورها و عقاید مردم مرتبط است (به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری). مهم‌ترین و اصلی‌ترین پشتوانه‌ی اقتدار ملی ما تمسک به فرهنگ اصیل اسلامی و فرهنگ راه‌گشای شهادت‌طلبی در مکتب اسلام است. به بیان دیگر، می‌توان گفت زمینه‌های مختلفی اقتدار ملی را می‌سازند، اما پایه‌ی اساسی اقتدار، اقتدار معنوی ناشی از تمسک به اسلام عزیز است. نمونه‌ی عینی این فرهنگ، فرهنگ دفاع مقدس است؛ فرهنگی که با اهدای بیش از ۲۰۰ هزار شهید و ده‌ها هزار جانباز و آزاده و ایثارگر، به رهبری امام خمینی در این کشور

نهادینه شده است. از این رو بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند فرهنگ دفاعی در طول دوران دفاع، از ضروریات اولیه و اساسی به منظور مقابله با تهدیدهای جدید دشمنان ایران اسلامی است که در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد.

بنابراین پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران در طول دوران دفاع مقدس چه مواردی است؟

### روش تحقیق

باتوجه به پرسش اصلی، این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که باتوجه به منابع کتابخانه‌ای و با تکیه بر کلام بزرگان صورت گرفته است.

### مبانی نظری تحقیق

#### فرهنگ

واژه‌ی فرهنگ (CULTURE) از زبان پهلوی (فارسی میانه) گرفته شده و از دو جزء «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. «فر» یا «فره» به معنای بارقه‌ی الهی است که بر دل تجلی می‌کند و مایه‌ی کمال و تعالی نفس می‌شود و «هنگ» یا «هنج» از مصدر «هینختن» و «هنجیدن» به معنای برآوردن و جلوه‌گر ساختن است. بنابراین، از نظر لغوی معنای فرهنگ عبارت است از: «تجلی کمال و تعالی در انسان و جامعه» (کاظمی، ۱۳۸۰: ۳۵). بی‌شک والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد. فرهنگ در حقیقت مجموعه‌ی سازمان‌یافته‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و قواعد است. فرهنگ، در هر جامعه‌ای روش زندگی گروهی از مردم است که دربرگیرنده‌ی الگوهای رایج تفکر و رفتار شامل: ارزش‌ها، اعتقادات، قواعد رفتار، نظام سیاسی، فعالیت اقتصادی و مانند آن است، که از نسلی به نسل دیگر از طریق آموختن انتقال می‌یابد. فرهنگ در معنای وسیع‌تر شامل همه‌ی دستاوردها و تولیدات انسانی است که در مقابل فرایندها و تولیدات طبیعت قرار می‌گیرد (گی‌روشه، ۱۳۶۷: ۱۲۰).

از دیدگاه تایلور، فرهنگ، مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد

به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را برعهده دارد (روح‌الامینی، ۱۳۸۸: ۱۸).

فرهنگ عبارت از مجموعه‌ارزش‌های مادی و معنوی است که توسط انسان‌ها طی تاریخ انسانی آفریده شده است. تمام فرهنگ‌ها پیوسته در تغییر هستند و با نیروهای داخلی و خارجی به‌حرکت درمی‌آیند. این نیروها ممکن است سازگارکننده، هماهنگ‌ساز، بی‌خطر و مبتنی بر اعمال ارادی باشند، یا غیرارادی و ناشی از ستیز، زور و سلطه‌ی خشونت‌آمیز و اعمال قدرت نامشروع (پرزکوئیاری، ۱۳۷۷: ۶۰).

از دیدگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است؛ لذا آن‌ها کوشش کردند فرهنگ ما را استعماری کنند تا نگذارند انسان پیدا شود، آن‌ها از انسان می‌ترسند (صحیفه‌ی نور ج ۶: ص ۴۰). اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (ج ۱۵: ص ۱۶۰). براین‌پایه، وی فرهنگ را بالاترین و والاترین عنصری می‌داند که در موجودیت جامعه دخالت دارد و با انحراف فرهنگ هویت جامعه دچار آسیب جدی می‌شود و با ارتزاق فرهنگ مخالف، هویت جامعه مستهلک شده و موجودیت خود را از دست می‌دهد.

#### دفاع

واژه‌ی دفاع در فرهنگ لغت به‌معنای ۱- از دستبرد دشمن حفظ کردن؛ ۲- بازداشتن، پس‌زدن؛ ۳- پاسخ طرف مقابل در هر دعوی؛ ۴- جنگی که مسلمانان برای جلوگیری از حمله‌ی کافران با آنان می‌کنند، آمده است (فرهنگ معین). از لحاظ تعریف اصطلاحی، دفاع عبارت‌است از اتخاذ تدابیری که برای مقاومت درمقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و یا فناوری که توسط یک یا چند کشور مؤتلفه علیه تمامیت ارضی، هویت ملی، آزادی، استقلال و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه صورت می‌گیرد. دفاع، به‌مقابله در برابر حمله مسلحانه‌ی افراد یا کشورها گفته می‌شود و در اصطلاح «دفاع عبارت از حقی است که کشورها براساس آن می‌توانند از خود در مقابل حمله‌ی مسلحانه، با عکس‌العمل نظامی فوری به‌طور انفرادی یا جمعی دفاع کنند. در ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد، استفاده از حق دفاع مشروع فردی و جمعی در صورت وقوع حمله‌ی مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، مجاز شمرده شده است» (همان، ص ۶۱۴). باتوجه‌به تعریف جنگ و دفاع روشن می‌شود جنگ حالت تهاجم و حمله در آن نهفته است، ولی دفاع مقابله و جلوگیری از تهاجم است.

**دفاع ملی**

نیروهای مسلح در زمان جنگ خط مقدم دفاع ملی هستند، اما دفاع ملی به قدرت نظامی محدود نیست. دفاع ملی دفاعی همه‌جانبه، بنیادی و ریشه‌ای است. همه‌جانبه‌بودن به‌معنای این است که در دفاع ملی همه‌ی حوزه‌ها و بخش‌ها مؤثرند. سیاست‌گذاری دقیق دفاعی نیازمند شناخت درست همه‌ی مؤلفه‌های مؤثر در قدرت ملی است (Hwang, 2008). تهدیدها و دفاع کم‌هزینه از کشور و ارزش‌های آن در مرحله‌ی اول بیش از آنکه اقدامی نظامی باشد، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. نیروی نظامی قدرت‌مند و پایدار در جامعه‌ای به‌وجود می‌آید که از نظر سیاسی دارای ثبات و کارآمدی زیاد، از نظر اقتصادی و علمی و فناوری توسعه‌یافته و پویا و از نظر فرهنگی و اجتماعی دارای اجماع فکری و همبستگی گروهی عمیق باشد. دفاع ملی قبل از آن که با استفاده از قدرت نظامی محقق شود، با بهره‌گیری از ابعاد غیرنظامی قدرت تأمین می‌شود. در هر جامعه‌ای بخش‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط هستند و روی هم تأثیر می‌گذارند. بدون توسعه همه‌جانبه‌ی آن‌ها پیشرفت‌های جامعه شکل کاریکاتوری به‌خود گرفته و در زمان نیاز کارآمدی لازم را نخواهد داشت (Ghosh, 2009:36).

دفاع ملی، مفهومی است که فراتر از سرشت و روابط نظامی که هسته‌ی اصلی و سخت آن را تشکیل می‌دهد، به همه جنبه‌های زندگی اجتماعی در ابعاد ملی و فراملی قابل تسری است و شامل جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، جغرافیایی، علمی، مجازی و حتی روان‌شناختی می‌شود. از همین رو جان کالینز، دفاع ملی را شامل همه‌ی تدابیری می‌داند که برای مقاومت در برابر حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا تکنولوژیکی یک کشور یا چند کشور مؤتلف اتخاذ می‌شود (کالینز، ۱۳۷۳: ۴۹۲).

**فرهنگ راهبردی و دفاع ملی**

کولین‌اس‌گری در مقاله‌ای با عنوان «سبک ملی در استراتژی: نمونه‌ی آمریکا» فرهنگ راهبردی را چنین تعریف می‌کند: شیوه‌های اندیشه و عمل با توجه به نیرویی که از تصور تجربه‌ی تاریخی ملی، اشتیاق‌ها برای رفتار پاسخ‌گویانه در شرایط ملی و حتی فرهنگ کشوری و شیوه‌ی زندگی نشأت می‌گیرد. بنابراین، فرهنگ راهبردی محیطی را فراهم می‌کند که در آن راهبرد موردبحث و مناظره قرار می‌گیرد و به‌صورت متغیر مستقل در الگوهای سیاست‌گذاری راهبردی عمل می‌کند (Gray, Fall 1981: 35-37). الستر جانسون در کتابی تحت‌عنوان رئالیسم فرهنگی: فرهنگ

راهبردی و استراتژی بزرگ در تاریخ چین، فرهنگ راهبردی را به صورت محیط معنایی که گزینه‌های رفتاری را محدود و درعین حال پیش‌بینی‌پذیر می‌کند، تعریف کرد (Johnston, 1995:26). سیستم دفاعی کشورها به اشکال مختلف تحت تأثیر فرهنگ راهبردی آن‌ها قرار دارد. این فرهنگ که با گذشت زمان و مواجهه با تهدیدها و چالش‌های مختلف شکل گرفته و تغییر پذیرفته، تعیین می‌کند که دفاع ملی باید چه سبک و سیاقی داشته باشد. تجربه‌ی تهدیدهای گذشته نقش چشمگیری در قوام‌یابی جهت‌گیری فرهنگ راهبردی دارد. براین اساس است که کشورهایی که در طول تاریخ به کرات با تهاجم بیگانگان مواجه بوده‌اند، معمولاً فرهنگ راهبردی مشابهی دارند. در بین این گونه کشورها، گرایش به اقدامات تهاجمی به منظور دفع خطر بیشتر است. در مقابل، کشورهایی که با تهدیدهای خارجی چندانی مواجه نبوده‌اند، معمولاً دارای نوعی فرهنگ راهبردی انفعالی هستند. البته این تقسیم‌بندی مطلق نیست، بلکه موارد استثنایی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۳۸).

#### مفهوم قدرت و اقتدار

از نظر لغوی فرهنگ به معنای توانایی داشتن و توانستن است (فرهنگ معین). علمای سیاسی سنت‌گرا، قدرت را در مفهوم عام آن، هم به عنوان غایت و هم وسیله‌ی سیاست تلقی کرده‌اند. ماکس وبر و هانس مورگنتا در دسته‌ی علمای سنتی هستند. مورگنتا پایه‌گذار مکتب اصالت قدرت و رئالیسم در روابط بین‌الملل است. در این دیدگاه، قدرت صرفاً به میزان اقتدار و توانایی یک طرف در به اطاعت واداشتن طرف دیگر است و تمام حیات جامعه در فعل و انفعالات قدرت درزمینه‌ها و درجات مختلف خلاصه می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۶۴). گیدنز قدرت را بدین صورت تعریف می‌کند: «قدرت، توانایی افراد یا اعضای یک گروه برای دستیابی به هدف‌ها یا پیش‌برد منافع خود است. قدرت، جنبه‌ی فراگیر همه‌ی روابط انسانی است. بسیاری از ستیزه‌ها در جامعه برای قدرت است، زیرا میدان توانایی یک فرد یا گروه در دستیابی به قدرت بر اینکه تا چه اندازه می‌تواند خواست‌های خود را به زیان خواست‌های دیگران به مرحله‌ی اجرا درآورد، تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۷۷). بنابراین در تعریف قدرت می‌توان گفت قدرت عبارت است از: «توانایی فکری و عملی برای ایجاد شرایط و نتایج مطلوب». شکل‌ها و سطوح این «توانایی» متفاوت است: هم تحمیل اراده را دربرمی‌گیرد، هم به رابطه‌ی کسانی که می‌خواهند نتایج مطلوب به‌آوردند و کسانی که باید آن نتایج را به‌بار آورند اشاره می‌کنند، و هم انواع مشارکت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز یا غیرمسالمت‌آمیز

افراد، گروه‌ها و احزاب، حکومت‌ها و دولت‌ها را دربرمی‌گیرد. توانایی هرکدام از این نیروهای اجتماعی، سیاسی، برای ایجاد شرایط و نتایج موردخواست خود در عرصه‌ی سیاست‌های داخلی و خارجی قدرت مربوط به آن نیرو محسوب می‌شود. بنابراین از قدرت فرد، قدرت گروه، یا حزب، قدرت یک حکومت، یا از قدرت یک دولت می‌توان نام برد. این نیروها توانایی فکری و عملی خود را در عرصه‌ی مبارزه‌ی سیاسی، داخلی یا خارجی، در برابر نیروهای دیگر که آن‌ها هم می‌توانند افراد، گروه‌ها و احزاب، حکومت‌ها و دولت‌ها باشند به کار می‌بندند تا به هدفی که دارند و به نتیجه‌ای که می‌خواهند برسند (عالم، ۱۳۷۳: ۹۱).

از طرف دیگر اقتدار اصل اساسی در نظام آفرینش و درعین حال، اصلی بشری و فرادینی است. اقتدار از اساسی‌ترین مؤلفه‌های «پایداری» و «پدیداری» نظام سیاسی است. اندیشه‌ی ضعیف نمی‌تواند به نظام سیاسی تبدیل شود و نظام ضعیف نیز قابلیت دوام ندارد. بنابراین، تولد و تداوم آن‌ها بستگی به میزان اقتدار آن‌ها دارد. گستره‌ی زمانی و زمینی نظام‌ها و تمدن‌ها نیز به همین عنصر بستگی دارد. هرچه اقتدار بیشتر باشد، گستره‌ی نفوذ جغرافیایی و تاریخی بیشتری خواهد داشت (پسندیده، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

در علم سیاست، تفاوت مهمی بین اقتدار و قدرت در نظر گرفته می‌شود. درحالی‌که قدرت، اشاره به توانایی برای رسیدن به غایات خاص است، اقتدار اشاره به مشروعیت، توجیه و حق اعمال قدرت دارد. به بیان دیگر، اقتدار قدرت مشروع است. قدرت، توانایی تأثیر گذاشتن بر دیگران، اما اقتدار حق تأثیر گذاشتن است. در این معنا، اقتدار عبارت است از قدرت پنهان‌شده در مشروعیت یا حقانیت (Heywood, 2002:5). بر این اساس، مفهوم اقتدار، بیشتر به نفوذ، سلطه، مرجعیت، حق، اختیار و اجازه و به‌ویژه مشروعیت مرتبط است (Root, 2007:1). مشروعیت اشاره به فرایندی دارد که به‌واسطه‌ی آن قدرت نه تنها نهادینه شده، بلکه زمینه‌ی اخلاقی نیز دارد. مشروعیت در اینجا، آن چیزی است که مطابق با توزیع باثبات قدرت بوده و آن را معتبر می‌سازد (Marshall, 1998:363).

#### فرهنگ و قدرت نرم

اساساً از واژه‌ی فرهنگ در عرف سیاست بین‌الملل به‌عنوان «قدرت نرم» نام برده می‌شود، و آنچه از محتوای نظر متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه‌ی قدرت نرم برمی‌آید، این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه‌ی چهره‌ی موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی



داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران و ... است؛ به‌طوری‌که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، ( قدرت نظامی و تسلیحاتی که به‌نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است) به‌کار می‌رود. قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران بوده و جنس آن از نوع «اقناع» است؛ درحالی‌که قدرت سخت از نوع وادار و اجبارکردن است. نای، قدرت نرم را قدرت فرهنگی، ارزشی و سیاست خارجی مشروع تعریف می‌کند که توانایی ایجاد جذابیت و دستیابی به قلوب و اذهان دولت‌ها و ملت‌ها را برای یک کشور فراهم می‌سازد. درحقیقت قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند «اطلاعات و دانایی» را به‌منظور پایان‌دادن به موضوعات مورد اختلاف به‌کار گیرد و اختلافات را به‌گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز بگیرد (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

قدرت نرم، مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را شامل می‌شود و هدف آن، افکار عمومی خارج و داخل است. قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل‌رؤیت، اما غیرمحسوس است، چه در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی، بر ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد و از جذابیت، برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و هم‌هی خواست‌ها سود می‌جویند. از این چشم‌انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی، به‌صورت غیرمستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (بزدانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

#### عوامل ایجاد قدرت فرهنگی (قدرت نرم)

برخی از عواملی که تولیدکننده و یا تقویت‌کننده‌ی قدرت نرم هستند عبارت‌اند از: ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه‌ی تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ راهبردها و سیاست‌های مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، کسب جایگاه علمی پیشرفته و فناورانه، توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان‌گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی (نای، ۱۳۸۲: ۴۵).

همچنین برخورد مناسب و اتحاد مواضع مقبول در برخورد با بحران‌های بین‌المللی، ارائه‌ی خدمات بشردوستانه، رعایت استانداردهای حقوق بشر، حمایت از جنبش‌های سبز و محیط‌زیست، مشارکت در جنبش‌های صلح‌طلب و نیروهای حافظ صلح، تشکیل انجمن‌های دوستی با کشورهای مختلف، حضور گسترده در جوامع فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی در سطح وسیع در ایجاد و تقویت قدرت فرهنگی مؤثرند. برخی از نویسندگان حوزه‌ی روابط بین‌الملل، عوامل مؤثر دیگری را در تولید و تقویت قدرت نرم و سخت ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از: وضعیت جغرافیایی (آب‌وهوا، وسعت خاک، موقعیت ژئوپولیتیکی، جمعیت و نیروی انسانی)، ظرفیت صنعتی، ارتباطات، استعدادهای علمی، اختراعات، ابتکارات، سازمان اداری و دولتی، ایدئولوژی و اخلاق اجتماعی، اطلاعات و سطح آگاهی، خرد رهبری و روحیه‌ی ملی (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۳۸).

در مجموع می‌توان گفت از جمله ممیزات قدرت نرم، مردمی بودن و غیررسمی بودن آن است. به عبارت دیگر، قدرت نرم، زمانی می‌تواند گفتمانی سازگار با افکار عمومی تولید کند که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌ها و امرونی‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی کند و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهان برساند. نکته‌ی قابل توجه، آن است که قدرتی را که از این طریق حاصل می‌شود نباید با عوام‌گرایی و تولید عوامانه‌ی گفتمان، اشتباه گرفت؛ بلکه قدرت نرم (قدرت فرهنگی) به معنای تخصصی کردن، علمی کردن و عقلانی کردن حوزه‌ی قدرت در همه‌ی عرصه‌هاست.

#### فرهنگ دفاعی و اقتدار ملی

یکی از مهم‌ترین عواملی که نقش سرنوشت‌سازی هنگام دفاع در مقابل تهدید دشمنان دارد، فرهنگ دفاعی یک کشور است. فرهنگ دفاعی به مجموعه‌ی ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، روش‌ها و الگوها و به‌طور کلی مکتب فکری - عقیدتی یک کشور هنگام مقابله با تهدیدات گفته می‌شود که راهبرد دفاعی یک کشور را در مقابله با تهدیدات در ابعاد مختلف جهت می‌دهد. در واقع تصمیم‌گیرندگان سیاسی - نظامی در مقابله با تهدیدات دشمنان سعی می‌کنند روش‌هایی را به کار ببرند که متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی اعضای ملت بوده و به‌نوعی از توان اعضای یک ملت برای مقابله با تهدیدات بهره‌گیرند. این راهبرد ضمن اینکه می‌تواند تهدیدات را دفع کند، زمینه‌ساز قدرتی مشروع خواهد شد که نه تنها استقلال ملی یک کشور را تضمین می‌کند، بلکه می‌تواند اراده‌ی ملی کشور را در خارج از مرزهای سیاسی و جغرافیایی آن کشور به‌اجرا درآورد. فرهنگ دفاعی موفق باید برگرفته

از ظرفیت‌های فرهنگی یک ملت باشد. چنین فرهنگی باعث اقتدار دفاعی آن کشور و درنهایت اقتدار ملی در بخش‌های مختلف یک کشور خواهد شد. به عبارت دیگر، بالاترین اقتدار دفاعی، اقتداری است که قدرتش را از ظرفیت‌های فرهنگ دفاعی همه‌ی اعضای یک جامعه کسب کرده باشد. درنهایت چنین اقتداری باعث به وجود آمدن اقتدار مبتنی بر مشروعیت ملت خواهد شد که از آن به عنوان اقتدار ملی نام می‌برند.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

#### فرهنگ‌های مولد قدرت نرم از نگاه اسلامی

در آموزه‌های دینی و گفتمان اسلامی، برخی فرهنگ‌ها تولیدکننده‌ی قدرت نرم در حد اعلی هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

#### فرهنگ ایثار

این هنجار توسط اسلام توصیه شده است و بسیاری مکاتب از آن بی‌بهره‌اند. معنای این هنجار این است که فرد علی‌رغم اینکه رفتار مثبتی از طرف مقابل نمی‌بیند، به ارتباط مثبت با او روی آورد. این رفتار توسط مؤمنان خاص صورت می‌گیرد. آن‌ها با اینکه از طرف مقابل، رفتار اعتمادآمیزی نمی‌بینند، با بخشش و گذشت، با دیگران رفتار می‌کنند. این افراد در مقابل کارهای خیر خود، انتظار هیچ پاداشی از سوی مردم ندارند و با برقراری این رابطه، سرمایه‌ی اجتماعی را در جامعه‌ی اسلامی حفظ می‌کنند. اسلام می‌کوشد چنین روحیه‌ای را در جامعه‌ی اسلامی رواج دهد و از پیروان خود می‌خواهد، بدون توجه به اینکه طرف مقابل آن‌ها چه رفتاری دارد، از خود ایثار به خرج دهند و برای این عمل اجر عظیمی در نظر گرفته شده است. این افراد در ادبیات قرآنی «ابرار» نامیده می‌شوند (رداد، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۱۹۸). از طرف دیگر، ایثار موجب خودسازی و تکامل شخصیت این افراد می‌شود و عامل مهمی در پرورش روح و انسانیت آن‌ها به شمار می‌آید.

#### فرهنگ شهادت

شهادت یعنی از شیرین‌ترین، عزیزترین و گران‌قیمت‌ترین دارایی خود، روح و جان، به خاطر عشق به میهن، ناموس و رضایت پروردگار گذشتن؛ به عبارت دیگر، شهادت، یعنی فناشدن، نه به مفهوم معدوم شدن، بلکه به معنای «محو شدن در وجود الهی». شهادت وصل است به ملکوت

اعلی، و شهید محرم به احرام عشق الهی. گذشت زمان و تغییر و تحول و آمدوشد نسل‌ها، هرگز به جاودانگی این فرهنگ انسان‌ساز لطمه‌ای وارد نمی‌آورد و عاشقان راه حق و آزادگان جهان، همواره این مشعل هدایت را فراراه خویش می‌یابند و درپناه آن پرده‌های سیاه شب جور را می‌درند و فروغ آزادی و شرف و عزت را ظاهر می‌سازند (حسین‌پور پویان، ۱۳۸۷: ۲۶۲-۲۶۱). در اسلام، شهادت‌گزینش مرگ سرخ همراه با شناخت و آگاهی، و بر مبنای آزادی و اختیار در مبارزه علیه موانع تکامل و انحرافات فکری است که مجاهد با منطق، شعور و بیداری آن را انتخاب می‌کند (اصغری، ۱۳۸۸، ۷۳).

شهادت مرگی آگاهانه است که شهید از روی آگاهی و به‌خاطر هدفی مقدس و به‌تعبیر قرآن کریم «فی سبیل‌الله» انتخاب می‌کند. انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای بود که کارآمدی فرهنگ شهادت را به‌خوبی به‌نمایش گذاشت. این انقلاب برای دستیابی به اهداف خود، هیچ‌یک از ابزارهای ظاهری موفقیت، اعم از قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حمایت جهانی را در اختیار نداشت و تنها اسلحه‌ی پیشرفته و برنده‌ی آن، شهادت‌طلبی بود (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳-۲۳۲).

#### فرهنگ مقاومت و پایداری

صبر و استقامت و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها در راه خدا و انجام وظیفه، یکی از صفات برجسته‌ی پیامبران بوده است؛ بی‌تردید نبی مکرم اسلام مأموریت داشت، تا بشریت را از ظلمات شهوت، جهالت، استبداد و پرستش‌بت‌ها و تعصبات نژادی و طبقاتی برهاند. این مهم، جز در سایه‌ی صبر، استقامت و پایداری میسر نبود (اصغری، ۱۳۸۸: ۱۷). پایداری و مقاومت چنین مردانی در راه پیش‌روی به‌سوی هدف، کوه مشکلات را از پیش پایشان برمی‌دارد، گویی در درون آن‌ها چیزی از آهن و فولاد نهفته است که این‌گونه آنان را مقاوم و پایدار ساخته است. نمونه‌هایی از این فرهنگ، طی هشت‌سال دفاع مقدس، و دفاع و مبارزه‌ی مردم فلسطین و لبنان به‌وفور مشاهده می‌شود. از آنجاکه فرهنگ استقامت و پایداری هم در قرآن کریم و هم در روایات و سیره‌ی ائمه مشاهده می‌شود، باید آن را از مولدان قدرت نرم در گفتمان اسلامی به‌حساب آورد.

#### فرهنگ جهاد

جهاد، مصدر و از ریشه‌ی جهد است و جهد به‌معنی سختی و مشقت است. جهاد یعنی در راه خدا با دشمن جنگیدن، جهاد و مجاهده، به‌کار بردن نیرو برای دفع دشمن بر سه‌طریق است.

جهاد برای راندن دشمن آشکار، جهاد با شیطان و اهریمن، و جهاد با نفس (حق‌پناه، ۱۳۸۸: ۸۰). براین اساس فرهنگ جهاد، مبارزه در راه خدا یکی از منابع قدرت نرم جامعه‌ی مؤمنان است. این فرهنگ، مولد و تولیدکننده‌ی قدرت و اقتدار بوده، و فرهنگ، روحیه، جرأت و اراده‌ی مبارزه در راه خدا، موجب برهم‌خوردن موازنه‌ی قدرت به نفع مؤمنان در این درگیری و رویارویی است (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱).

#### فرهنگ وحدت، هم‌گرایی و تعاون

وحدت و هم‌گرایی در جامعه‌ی توحیدی، پیش از آنکه دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و بیش از آنکه مطلوبی دینی باشد، ضرورتی عینی است؛ چرا که وحدت در نظام اجتماعی اسلام، تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است؛ وحدت نه‌تنها در عقاید و شریعت اسلام ریشه دارد که حیات امت اسلامی و تاریخ این امت بر آن استوار است. وحدت و هم‌گرایی هدفی عالی و آرمانی است که اگر به‌خوبی تبیین شود و در جامعه‌ی اسلامی تحقق یابد، گذشته‌ی عزتمندانه‌ی اسلام و مسلمانان و تاریخ درخشان فتح خندق و خیبر را تداعی می‌کند و خاطرات شیرین فروریختن کاخ‌های شام و مدائن، و تسلیم امپراتوری‌های بزرگ روم و ایران در برابر فرهنگ عزتمند اسلام را به‌یاد می‌آورد (وطن‌دوست، ۱۳۸۹: ۱۱). اتحاد عبارت‌است از اینکه اشیای متفرق و پراکنده، در هویتی واحد گردهم آیند. در تعریف فلسفی اتحاد گفته‌اند: «الاتحاد صیوره‌ الاشیاء شیئاً واحداً»؛ اتحاد این است که اشیای مختلف درانضمام با یکدیگر، به شیئی واحد تبدیل شوند (نوابی، ۱۳۸۷: ۱۵۸). این نکته بر اهل اندیشه پوشیده نیست که بنیان تکامل اجتماعی و رشد و تعالی جامعه بر وحدت استوار است. تجمع ظرفیت‌های انسانی، همفکری و همکاری (تعاون) آن‌ها برای پیشبرد اهداف اجتماعی و انجام دادن کارهای بزرگ، بدون وحدت و همدلی، تعاون و هم‌گرایی آحاد جامعه و همدلی که به همفکری، همکاری و تعاون منجر می‌شود، از ابزارها و منابع قدرت نرم جامعه‌ی مؤمنان محسوب می‌شود (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

#### فرهنگ انتظار

اعتقاد به وجود امام زمان (عج)، ظهور آن حضرت و تأسیس حکومت عدل و حق، از بدیهی‌ترین اصول اعتقادی شیعه‌ی دوازده امامی است؛ البته اصل موضوع، فصل مشترک همه‌ی مسلمانان در سرتاسر جهان است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۲۵). انقلاب و ظهور حضرت مهدی (عج) به‌تعبیر استاد

مطهری، حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه‌ی اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. قیام حضرت، آخرین حلقه از مجموعه حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده و حضرت مهدی موعود(عج) تحقق‌بخش واقعی اهداف همه‌ی انبیاء، اولیاء و مردان مبارزه در راه حق است. این شور، شوق، عشق و امید به آینده، نیروی عظیمی را برای دستیابی به اهداف ایجاد می‌کند.

جبهه‌ی ایمان با این سرمایه‌ی معنوی و با تلاش فراوان، همراه با صبر و بصیرت به سمت فتح این قله‌ها و دستیابی به آن آرمان‌ها در حال حرکت است. حتی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضی مذهب بوده و شوکت، اقتدار و قوت حکومت خود را در عالم نگاه خواهد داشت (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۲۶-۲۲۵).

همه‌ی ابعاد وجود امام لطف است و رهبری باطنی را برعهده دارد. وجود امام و رهبری معصوم دینی و اجتماعی، اگرچه در پس پرده‌ی غیب باشد، برای سازماندهی اجتماعی جامعه‌ی مومنان منبع بی‌پایان انرژی، تحرک و استقامت است. انتظار فرج و وجود امام غایب، به منزله‌ی یک نیروی بازدارنده‌ی بسیار قوی است که می‌تواند تا اندازه‌ی بسیار زیادی از ارتکاب جرایم جلوگیری کند (کریمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۱-۲۲۰). یکی دیگر از فواید انتظار، امید به آینده‌ای سبز است. یکی از محققان و شیعه‌شناسان آلمانی در این باره تحلیلی زیبا ارائه می‌کند:

*از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که همیشه می‌تواند موجب امیدواری و رستگاری شیعه باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است، زیرا عقیده‌ی شیعه این است: هنگامی که انسان به بستر رود، به این امید باید بخوابد که چون صبح از خواب برخیزد، حجت ظهور کرده و او برای تأییدش آماده باشد. معتقدند که همه‌ی مردم و دول زمین، تابع حکومت آن‌ها خواهند بود. گویا فرد شیعه، بدون استثناء، شب که در بستر می‌روند، به امید ترقی و عالم‌گیری مذهب اقتدار خود، صبح از خواب برمی‌خیزند. بی‌أس و حرمان، عامل هرگونه نکبت و ذلت می‌شود؛ ولی ضد آن که پشت‌گرمی و امیدواری و قوت قلب از روی اعتقاد است، مایه‌ی فلاح و نجات است (همان، ۲۲۲).*

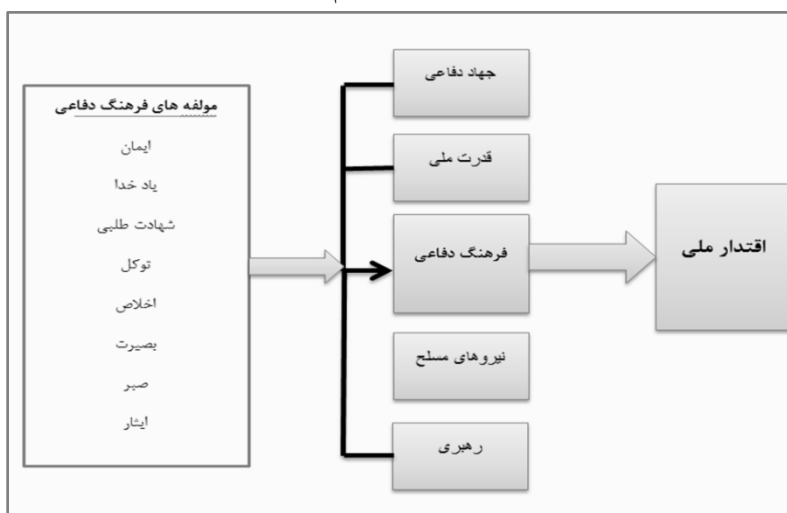
### فرهنگ حق‌محوری

حق‌محوری از بنیان‌های محکم دین اسلام است. در اسلام به این امر به اندازه‌ای توجه شده است که هرچیز مهم و اساسی در دین به حقیقت و حقانیت منتسب شده است. خدا در قرآن کریم، دین

خود را با واژه‌ی حق، وصف کرده است: «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق»؛ یا ارسال پیامبر اسلام را بر پایه‌ی حقیقت استوار می‌داند «إنا أرسلناک بالحق»؛ یا نزول قرآن و محتویات آن را با واژه‌ی حق تعریف می‌کند «هو الحق» و «نزل الکتاب بالحق».

همه‌ی این تأکیدات، نشان می‌دهد حق محوری و حقیقت‌طلبی، آن‌چنان با مکتب اسلام و دین مبین آمیخته است که تفکیک آن‌ها امری ناممکن است. از این‌رو، عقلانیت معهود اسلام و حکومت دینی نیز جز از این طریق (طریق حق) توجیه ندارد و مؤمنان و دین‌باوران، باید اندیشه‌ی خویش را به دنبال امور عینی و واقعی سوق داده، آن‌ها را مبنای زندگی خود قرار دهند، همانند آن‌ها که در خلقت و آفرینش هستی تفکر، و حقیقت خدا را جست‌وجو می‌کنند و ضمن معنادار دانستن عالم، تعالیم هستی‌بخش را سرلوحه‌ی امور خویش قرار دهند (آیت‌الله جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۱۸۳-۱۸۲). از این‌رو باید بر این عنصر (حقیقت‌محوری) متکی بود و بر آن پای فشرد، زیرا هیچ جای خالی برای نفوذ و سلطه‌ی ولایت کفر باقی نمی‌گذارد. از این‌رو، حقیقت‌محوری از منابع مهم قدرت نرم در گفتمان اسلامی به‌شمار می‌آید.

#### نمودار ۱- فرهنگ دفاعی اسلام و اقتدار ملی



۱. سوره‌ی مبارکه‌ی صف، آیه‌ی ۹.
۲. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۹.
۳. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۹۱.
۴. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۶.

### فرهنگ راهبردی ایران در دفاع مقدس

فرهنگ راهبردی ایرانیان در طول جنگ تحمیلی، فرهنگی بود که پیوند عمیقی با آموزه‌های دینی داشت. در قالب این فرهنگ، جنگ ایران در برابر عراق جنگ حق علیه باطل بوده و به‌همین خاطر، جمهوری اسلامی ایران تحت‌حمایت نیروهای الهی قرار داشت. حمایت الهی از ایرانیان باعث می‌شود موانع فیزیکی مثل ضعف توان نظامی یا مشکلات مالی ناچیز تلقی شده و به آن‌ها بی‌اعتنایی شود. در این چارچوب، مقاومت باید از جنس مقاومت پایداری و تسلیم ناپذیر می‌بود، به‌نحوی که ضمن دفع تجاوز دشمن، آن را تنبیه کند تا مجدداً به هجوم دیگری علیه خاک ایران تمایل پیدا نکند. ایرانیان در عین حال، چنین مقاومتی را نه تنها تکلیف ملی، بلکه مهم‌تر از آن تکلیف دینی می‌دانستند و به‌همین خاطر به راه خویش اعتماد کامل داشتند. رسیدن به استقلال یا نفی وابستگی و سلطه صرفاً به‌خاطر حفاظت از حریم سرزمینی نبود، بلکه فراتر از آن حریم دینی و ارزشی ایرانیان را نیز دربرمی‌گرفت. از دیگر مشخصه‌های مهم این فرهنگ، ایثارگری و شهادت‌طلبی بود که در پیروزی نیروهای ایرانی نقش اساسی داشت. ایرانی‌ها در طول جنگ تحمیلی، به‌خاطر تجهیز به فرهنگ راهبردی خاصی که تا حد زیادی متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی بود، موفق به پیروزی در برابر عراق شدند. خط‌مشی ایرانیان در جنگ واقعیت دیگری را نیز به‌نمایش گذاشت و آن عبارت بود از استفاده‌ی هوشمندانه رهبران و سیاستمداران کشور از قابلیت‌های فرهنگ راهبردی. این هوشمندی باعث شد مقاومت ایرانیان در برابر هجوم عراق نه به جنگ انتحاری مخرب، بلکه به مقاومتی پیروزمندانه تبدیل شود (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۳).

درواقع انقلاب اسلامی ایران منجر به تحولی محسوس در فرهنگ راهبردی دینی ایرانیان شد. تا پیش از انقلاب، اغلب ایرانیان تشیع را دربرگیرنده‌ی فرهنگی انفعالی و متکی بر تقیه تلقی می‌کردند، اما انقلاب اسلامی باعث شد فرهنگ شیعه به ویژگی‌های نوینی نظیر ظلم‌ستیزی، ایثارگری، وطن‌دوستی و مقاومت تجهیز شود. اگر در گذشته، عاشورا نماد مظلومیت شیعیان بود، از این زمان به بعد، به‌صورت نمادی از ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی آن‌ها تجلی یافت. در این فرهنگ، باورهای دینی آن‌چنان مهم و اساسی‌اند که به‌خاطر آن‌ها باید از تعلقات دنیوی خویش گذشت. به‌این ترتیب، فرهنگ مقاومت و حماسه با تکیه بر آموزه‌های دینی به سرعت رشد کرد. ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی، چارچوبی نوین برای تفسیر حوادث پدید آورد. در این چارچوب، رقابت قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها آمریکا و شوروی به نزاعی میان دو قطب باطل تعبیر شد.



همچنان‌که، منازعه میان اسرائیل و فلسطینیان به‌مثابه نزاعی میان حق و باطل بود که در این راستا باید از حق‌جانب‌داری کرد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۷۹). هجوم نظامی عراق علیه ایران، در واقع هجمه‌ی باطل علیه حق یا شر علیه خیر بود. در نتیجه، دفاع از ایران دفاعی مقدس بود و کشته‌شدن در این راه سعادت‌ی بزرگ به‌شمار می‌آمد. برعکس، بی‌تفاوتی و انفعال در برابر دشمن نوعی حرکت ضد‌ارزشی بزرگ و نابخشودنی تعبیر شد که آثار آن در دفاع قدرتمندانه و خستگی‌ناپذیر نیروهای ایرانی در برابر ارتش عراق کاملاً ملموس بود.

### فرهنگ دفاع مقدس

دوران دفاع مقدس تبلور عملی و تجلی عینی همه‌ی ارزش‌ها بود. ارزش‌ها در جنگ شکوفا شد و واقعیت عملی یافت. در عرصه‌ی فرهنگ دفاع مقدس، عشق و عرفان، دلاوری و مردانگی، شجاعت و حماسه، ایثارگری و ازخودگذشتگی، ایمان به هدف و اطمینان به پیروزی و در یک کلمه ارزش‌های اصیل اخلاقی انسانی ظهور یافت و تجلی پیدا کرد. بنابراین فرهنگ دفاع مقدس مجموعه‌ای از افکار، اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، علائق و دلبستگی‌ها، روابط عرف و عاداتی است که در جریان دفاع مقدس تجلی یافت و به‌صورت فرهنگ رایج در بطن سازمانی جامعه نهادینه شد و قابل انتقال به نسل‌های بعدتر است (رشید، ۱۳۹۱: ۲۱۸). از این رو ضرورت دارد به مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی ایران در طول دفاع مقدس پرداخته شود.

### مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

#### ۱- مقاومت و پایداری مردمی

پایداری و ایستادگی رزمندگان اسلام در مقاطعی از دفاع مقدس، ظهور و جلوه‌ی بیشتری داشته و در شکست و ناکامی دشمن مؤثرتر بوده است. به‌طور کلی، هرگاه تهاجم دشمن سنگین‌تر و گسترده‌تر بود، صبر و استقامت رزمندگان نیز کارسازتر و ضروری‌تر می‌نمود. رزمندگان، هرگاه احساس می‌کردند گاه مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن است، دریغ نمی‌ورزیدند.

## ۲- یاد خدا

همچنان که مؤمنان در عرصه‌ی زندگی به‌یاد خدا نیازمندند، مجاهدان فی سبیل‌الله نیز در میدان نبرد بدان محتاجند؛ البته این نیازمندی در میدان نبرد، بسی شدیدتر و یاد خدا بسی کارسازتر است؛ هرچند جهاد و دفاع، آرامش و قوت قلب بیشتری می‌طلبد. از این رو، خداوند، مجاهدان مؤمن را توصیه می‌کند به‌هنگام برخورد با دشمن، ثابت‌قدم باشند و او را بسیار یاد کنند:

*ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.<sup>۱</sup>*

رزمندگان اسلام در حماسه‌ی دفاع مقدس این آیه‌ی شریفه را جامه‌ی عمل پوشاندند و ارزش والای یاد خدا را تبلور بخشیدند. آنان با زنده نگه‌داشتن یاد خدا و مداومت بر آن، بر قوت و قدرت روحی و معنوی خویش افزودند و بار سنگین و امانت وزین پاسداری از کیان و انقلاب اسلامی ایران را به سرمنزل مقصود رساندند. بی‌گمان، اگر روح و جان رزمندگان با یاد و نام خدا و انجام‌دادن عباداتی که یاد و نام خدا را زنده می‌کرد، لبریز و شاداب و پرتوان نمی‌شد، از عهده‌ی دفاع، آن‌چنان که شایسته و بایسته است، بر نمی‌آمدند و آن را با فرجام نیکو و شرافتمندانه پایان نمی‌دادند. حضرت امام(ره) باتوجه‌به این ویژگی رزمندگان اسلام می‌فرمود:

*جبهه‌های ما مسجد است الان، [در] جبهه‌های ما از مسجد بیشتر الان ذکر خدا گفته می‌شود (صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۲۷۸).*

گذری بر گفته‌ها و خاطره‌های به‌جامانده از رزمندگان، اعم از فرماندهان و نیروها، نشان می‌دهد آنان از نام و یاد خدا غفلت نمی‌ورزیدند.

## ۳- اخلاص و دفاع

از ارزش‌های والای اسلامی که رزمندگان اسلام در دفاع مقدس بدان آراسته بودند، صفای باطن، صداقت و اخلاص بود. به‌استناد سخنان پاک و بی‌آلایش و تلاش‌های

---

۱. انفال (۸)، آیه‌ی ۴۵.

صادقانه‌ی رزمندگان، می‌توان ادعا کرد آنان «مجاهدان فی سبیل‌الله» در عصر حاضر بودند و برای خدا و در راه خدا در عرصه‌ی دفاع حاضر شدند. جای هیچ‌گونه انکار نیست که رزمندگان اسلام، برای حفظ کیان اسلام، عزت و سربلندی مسلمانان و حراست از انقلاب و نظام اسلامی دفاع کردند و این بزرگ‌ترین نشان صداقت و یک‌رنگی و اخلاص آن‌ها در این مبارزه و دفاع کم‌نظیر بود. رزمندگان اسلام هیچ‌گاه برای اهداف پست دنیوی، مانند شهرت و افتخار و جلب ستایش دیگران، در مقابل دشمن نایستادند. برای همین، از تهدید و ارباب همه‌ی دشمنانی که برای نابودی انقلاب اسلامی و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران متحد شده بودند، نهراسیدند و انبوهی دشمن و سلاح و تجهیزات آنان، در عزم راسخ آنان برای دفاع، خللی ایجاد نکرد.

حضرت امام خمینی (ره) در طول دفاع مقدس بارها بر این نکته تأکید ورزید که یکی از عوامل اصلی در پیروزی رزمندگان اسلام، صداقت و اخلاص آنان است. ایشان معتقد بود رزمندگان برای خدا و نصرت دین اسلام به جبهه می‌روند و روحیه‌ی معجزه‌آسای سلحشوران نیروهای مسلح، از خلوص نیت آنان سرچشمه می‌گیرد. حضرت امام (ره) عنایت خداوند متعال به رزمندگان را منوط به اخلاص آنان می‌دانست و می‌فرمود:

[آیا] امکان دارد کسی برای خدا کار بکند و خدای تبارک و تعالی به او عنایت

نداشته باشد؟ (صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۱۴۹).

#### ۴- توکل

از ارزش‌هایی که رزمندگان با اتصاف به آن از گردن‌های دشوار دفاع مقدس، پیروزمندان گذشتند، توکل و اعتماد به خداوند متعال است. توکل رزمندگان اسلام همچون دیگر ارزش‌های اسلامی، ثمره‌ی باورهای ژرف دینی آنان بود؛ رزمندگان اسلام از یک‌سو، فتح و پیروزی را تنها از خدا می‌دانستند و از سوی دیگر، به امداد و نصرت غیبی اعتقاد راسخ داشتند. از این رو، در عمل به خود و سلاح و تجهیزات، تنها، به چشم وسیله می‌نگریستند و حقیقتاً به خداوند متعال اعتماد و اطمینان می‌کردند و کارها را به او واگذار می‌نمودند؛ بدون اینکه از مسؤلیت دفاع گریزان باشند و از تلاش خستگی‌ناپذیر دست بردارند. از آنجاکه وعده‌های الهی، تخلف‌ناپذیرند، خداوند متعال نیز، این توکل و اعتماد را

بی‌پاسخ نگذاشت و رزمندگان را سرپرستی و کفایت کرد و از امداد و نصرت خویش برخوردار ساخت.

حضرت امام(ره) به صراحت، توکل به خداوند متعال و اعتماد به رحمت او را از رموز پیروزی رزمندگان برمی‌شمرد و می‌فرمود:

مَلَّتْ مَا بَا اتَكَای بَهِ خِدا، دَارِدُ دَر جِیْبِهِ جِنْگَ مِی‌كُنْد. مَلَّتْ مَا اتَكَای بَهِ خِدا دَارِدُ  
(صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۸۱).

#### ۵- شجاعت و دلاوری

از اوصاف برجسته‌ی رزمندگان اسلام در طول دفاع مقدس، شجاعت و دلاوری است. رزمندگان اسلام بدون هراس از سلاح و تجهیزات پیشرفته و شمار زیاد نیروهای دشمن، بر صفوف آنان یورش می‌بردند و بی‌هیچ پروایی، به استقبال خطرهای بی‌شمار جنگ می‌رفتند.

شجاعت و قوت رزمندگان اسلام که از ایمان راسخ آنان سرچشمه می‌گرفت، در مقاطع و مراحل مختلف دفاع مقدس؛ یعنی مقاومت سرسختانه در مقابل تجاوز دشمن، سدکردن پیشروی دشمن در دشت‌های تفتیده‌ی جنوب و کوه‌های سر به آسمان ساییده‌ی غرب و بیرون‌راندن و تعقیب دشمن متجاوز، پیروزی‌های شگرفی را رقم زد. حضرت امام(ره) در طول دفاع مقدس بارها رزمندگان را به وصف شجاعت و دلیری می‌ستود و تأثیر سترگ دلاوری آنان را در آفریدن پیروزی تبیین می‌نمود:

ما و شما دیدیم که در این جنگ تحمیلی که مخالف میل آنان بود، چطور به خصم خیره‌سرفهمانند که در میدان نبرد، رزمندگان شیردلی هستند که بر نیروهای شیطانی آنان، چون عقاب حمله آوردند و جوانان آنان از هیچ قدرتی هراس ندارند و آنچنان بر دشمن ضربه زدند که هرچه داشت گذاشت و فرار اختیار کرد ... (صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۱۱۱).

#### ۶- عزت و کرامت

از نمونه‌های بزرگواری رزمندگان در دفاع مقدس، خودداری از بمباران و گلوله‌باران مناطق مسکونی عراق بود. خلبانان و نیروهای توپخانه، می‌توانستند مناطق مسکونی را به‌عنوان

مقابله به مثل ناامن سازند و دشمن را با مشکلی جدی روبه‌رو کنند، اما پایبندی آنان به ارزش‌های اخلاقی باعث می‌شد از این حربه استفاده نکنند. این از بارزترین نمونه‌های رعایت حقوق انسانی در جنگ به‌شمار می‌آید. حضرت امام (ره) در این باره می‌فرماید:

ارتش ما، متعهد به اسلام است و ارتش است که از بالای سر شهرهای بزرگ عراق می‌گذرد و در آخرین نقطه‌ی عراق در مرز اردن می‌کوبد مراکز نظامی عراق را، و یک بمب در شهرهای عراق نمی‌اندازد، این کشور اسلامی است و این لشکر اسلامی و این قوای مسلحه‌ی اسلامی است (صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۱۷۶ - ۱۷۷).

#### ۷- اخوت و همدلی

اخوت و همدلی در دفاع مقدس تجلی خیره‌کننده‌ای یافت. رزمندگان اسلام به پیروی از قرآن کریم، در برابر دشمن، با صلابت و پایداری و شدت برخورد می‌کردند و با یکدیگر، در کمال صمیمیت، مهربانی و همدلی رفتار می‌کردند. برخورد متواضعانه و برادرانه‌ی فرماندهان با نیروهای تحت‌امر، عشق و محبت زایدالوصف نیروها به فرماندهان و رفتار بی‌پیرایه و صادقانه‌ی رزمندگان با یکدیگر، جبهه‌های نبرد را به کانون بزرگ محبت، صفا و برادری تبدیل کرده بود، که گرمی آن، روزبه‌روز اعضای جدیدی را به‌خود جذب می‌کرد. آنان که برای اولین بار رهسپار جبهه می‌شدند، برادری دینی حاکم در میان رزمندگان را آن‌چنان زیبا و دوست‌داشتنی می‌یافتند که تا مدت‌ها خانه و کاشانه و خانواده را از یاد می‌بردند.

#### ۸- ایثار و فداکاری

دفاع مقدس، گستره‌ای را برای آفریدن عالی‌ترین صحنه‌های باشکوه از خودگذشتگی و ایثار، فراروی رزمندگان اسلام قرار داد. هرچند، زندگی راحت را رها کردن و خود را در کانون خطر اذست‌دادن جان قرار دادن و سختی‌های دفاع را به‌جان خریدن، کافی است تا همه‌ی رزمندگان اسلام را ایثارگر بدانیم و بنامیم، اما ایثارگری برخی از این نیز فراتر می‌رفت. اینان در خطرپذیری از دیگران سبقت می‌جستند، در سختی‌ها و تنگناهای نبرد بر دیگران پیشی می‌گرفتند و در محرومیت‌ها پیشگام بودند.

۹- بی‌اعتنایی به دنیا

از ارزش‌هایی که رزمندگان اسلام در دفاع مقدس بدان متصف بودند، بی‌اعتنایی به دنیا و مظاهر فریبنده‌ی آن است. رزمندگان اسلام در دوران نوجوانی و جوانی و اوان ظهور خواسته‌های بی‌شمار مادی، به همه‌ی لذت‌های دلفریب دنیا پشت‌پا زدند و حضور در جبهه و دفاع از میهن و نظام اسلامی را ترجیح دادند. بی‌گمان، بدون دل‌بریدن از دنیا و دل‌بستن به آخرت، رزمندگان هیچ‌گاه توفیق آفرینش حماسه‌های سترگ و ماندگار دفاع مقدس را نمی‌یافتند. حضرت امام(ره) که خود، اسوه‌ی کم‌نظیر بی‌اعتنایی به دنیا بود، ناچیز شمردن زندگی دنیا را برای رزمندگان اسلام پیروزی می‌دانست و آن را قدرتی نفسانی برمی‌شمرد:

برادران! شما در جبهه بر نفس خودتان غلبه کردید و زندگی را زندگی ابدی دانستید و این زندگی حیوانی طبیعی را ناچیز شمردید. شما الان پیروز هستید و - پیروزی شما - مادامی‌که این قدرت نفسانی در شماست، مادامی‌که چنین ایده‌ی الهی در شماست پیروزید، چه شکست بخورید به‌حسب صورت و به‌حسب عوامل مادی و چه پیشرفت بکنید (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، ص ۵۸).

۱۰- شوق دفاع

از ارزش‌هایی که سهم زیادی در پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی داشت، اشتیاق زیاد رزمندگان اسلام به دفاع و حضور در صحنه‌های نبرد است. تأثیر حضور داوطلبانه‌ی نیروهای مردمی و بسیجیان و از سر شوق جنگیدنشان در کسب پیروزی‌های درخشان هشت‌سال دفاع مقدس، چنان آشکار است که هیچ‌گونه انکاری را بر نمی‌تابد. افزون بر نیروهای مردمی که اشتیاق‌شان به دفاع مقدس آنان را به جبهه‌های نبرد می‌کشاند، نیروهای مسلح اعم از سپاهیان و ارتشیان نیز با علاقه و عشق در عرصه‌ی دفاع مقدس حضور می‌یافتند؛ اینان، هرچند از نظر شرعی و قانونی موظف بودند از انقلاب و میهن اسلامی در مقابل تجاوز دشمن دفاع کنند، اما این وظیفه را نه با اجبار و زور، بلکه با اختیار و میل باطنی انجام می‌دادند و گاه، پس از پایان مأموریت‌شان، ماه‌ها در مناطق جنگی می‌ماندند. همچنین بسیاری از آنان، خود، داوطلب حضور در جبهه بودند. شوق رزمندگان به دفاع، در سخنان حضرت امام(ره) بازتاب بسیار پیدا کرده است. ایشان درباره‌ی جوانانی که به دلیل شوق حضور در دفاع می‌گریستند، می‌فرمود:

الان، انسان می‌بیند که جوان‌هایی هستند - من زیاد به این‌ها برمی‌خورم - جوان‌هایی هستند که می‌آیند گریه می‌کنند که ما می‌خواهیم برویم به جبهه،

نمی‌گذارند برویم. همین پریروز یا دیروز بود که یک جوانی آمده بود، گفت دو تا برادرم کشته شده‌اند، خودم می‌خواهم بروم. گفتم جوان! تو کافی است، آن‌ها رفتند، دیگر بس است، شروع کرد گریه کردن (صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۲۱۷).

#### ۱۱- شهادت‌طلبی

از ارزش‌هایی که رزمندگان اسلام با تکیه بر آن توانستند پیروزی‌های بزرگی را برای جبهه‌ی حق به‌ارمغان آورند، شهادت‌طلبی است. رزمندگان اسلام از آنجاکه دفاع در برابر تهاجم بعثیان را مقدّس و «فی سبیل‌الله» می‌دانستند و کشته‌شدن در این راه را برای خود مرگی سعادت‌آفرین و افتخارآمیز ارزیابی می‌کردند، نه تنها از دادن جان دریغ نمی‌ورزیدند که شیفته‌ی آن بودند. رزمندگان اسلام هر جا که فرصت یافته‌اند، پرده از این شیفتگی و شغف برداشته‌اند؛ خاطرات، مصاحبه‌ها، وصیت‌نامه‌ها و گزارش‌ها تجلّی‌گر این شیفتگی‌اند. بی‌تردید، اگر در دفاع مقدّس، روحیه‌ی شهادت‌طلبی بر مدافعان حاکم نبود و اگر نبودند رزمندگانی که گرمی‌ترین سرمایه‌ی خود را مشتاقانه و به‌سهولت در راه خدا نثار کنند، سرنوشت دیگری برای جنگ تحمیلی رقم می‌خورد. شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام به‌عنوان یک عامل مؤثر معنوی، از امتیازهای جبهه‌ی حق در برابر جبهه‌ی باطل بود. در این سوی جبهه، مدافعانی بودند که کشته‌شدن در میدان جنگ را حیات و افتخار می‌دانستند و در آن سوی جبهه، مهاجمانی بودند که از مرگ گریزان بودند و آن را هلاکت و بیهوده می‌دیدند. ثمره‌ی این اختلاف‌نظر و تفاوت دیدگاه نسبت به مرگ، وجود اشتیاق و انگیزه برای نبرد در مدافعان و بی‌رغبتی و بی‌انگیزگی نسبت به جنگ در مهاجمان بود و مسلم است که دیدگاه یک رزمنده و جنگ‌جو نسبت به مرگ، تا چه اندازه در جنگیدنش مؤثر است.

حضرت امام (ره) به‌عنوان فردی کاملاً آشنا به روحیه‌ها و اوصاف رزمندگان اسلام، عنصر شهادت‌طلبی و عشق به شهادت را از بارزترین این اوصاف برمی‌شمارد و آن‌ها را بارها بدین‌خاطر می‌ستاید. ایشان با اشاره به اینکه بسیاری از رزمندگان از ایشان درخواست می‌کنند برای شهادتشان دعا کند، روحیه‌ی شهادت‌طلبی را از عوامل مهم پیروزی ملت ایران در برابر دشمنان می‌داند:

بسیاری از این‌ها که می‌آیند پیش من گریه می‌کنند که شما دعا بکنید که ما شهید بشویم و من دعا می‌کنم که پیروز بشوند. یک همچون روحیه‌ای

وقتی که در یک فرد یا افراد پیدا شد، دیگر پیروز است و این روحیه بود که پیدا شد و این روحیه در پناه اسلام پیدا شد. هیچ مکتب دیگری نمی‌تواند این طوری درست کند که گریه کند که بگویند من کشته بشوم! دیروز یک کسی که پایش از اینجا قطع شده بود، عصا زیر بغلش گذاشته بود، آمده اینجا، من باهاش مصافحه کردم، گفت: دعا کنید من شهید بشوم. این روحیه در اثر اسلام است (صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۲۸۹).

## ۱۲- دفاع مقدس و فرهنگ عاشورایی

در نگاهی کلی، برخی از وجوه مشترک دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس عبارت‌اند از:

یک - هر دو برای دفاع از حریم ارزش‌ها و حفظ اسلام و رضای پروردگار رویاروی دشمن می‌ایستند؛

دو - رهبر هر دو حرکت، فرزندان پیامبرند. همان صلابت، پایداری، ذلت‌ناپذیری، شهادت‌پذیری و روح ایثار که در وجود مبارک ابا عبدالله (ع) هست، در وجود امام خمینی (ره) تجلی یافته است. امام به پیروی از سرور و سالار شهیدان، از هیچ فداکاری در راه مکتب و آرمان‌های الهی دریغ ندارد؛

سه - یاران امام خمینی (ره) همچون شهیدان کربلا، کانون عرفان و محبت الهی و سرشار از شوق شهادت و فداکاری‌اند؛

چهار - دشمن مقابل هر دو جریان، در نهایت قساوت، پستی، دنیاپرستی و خودخواهی است؛

پنج - همان مظاهر روز و شب عاشورا در جبهه‌های دفاع مقدس دیده می‌شود؛ زمزمه‌های عاشقانه، نماز، عبادت، قرائت قرآن و آمادگی برای وصل و پیوند با محبوب؛

شش - پایداری و شکیبایی زنان امت امام خمینی و نقش روشنگری و صبوری آنان، جلوه‌ای از صبوری و پیام‌رسانی قافله‌ی اسیران کربلا است؛

هفت - هر دو جریان رسواگر ستم شدند و نقاب از چهره‌ی دروغ و تزویر و نفاق برافکندند؛

هشت - در هر دو جریان از شهیدان شیرخوار تا پیران سالخورده می‌توان یافت؛



نه - صحنه‌ها و موقعیت‌هایی همچون صحنه‌های کربلا بارها در جبهه‌های دفاع مقدس اتفاق افتاد؛ مانند تشنگی، جداسدن سرها، اسارت و ... این صحنه‌ها همواره ذهن‌ها را به صحنه‌های کربلا پیوند می‌زند؛

ده - جبهه‌های هشت‌سال دفاع مقدس جلوه‌گاه اخلاق، فضایل و ارزش‌های الهی و سازنده‌ترین و پرشکوه‌ترین درس‌ها بود؛ درس‌هایی که رزمندگان در مکتب عاشورا آموخته بودند. معمولاً، در جبهه‌ها، همه‌ی ارزش‌های اخلاقی، با کربلا تطبیق داده می‌شد؛

یازده - پایان هشت‌سال دفاع مقدس، همچون پایان عاشورا، تمام شدن و توقّف راه نبود، بلکه پس از آن، ایمانی که محصول خلوص و فداکاری رزمندگان بود، هشیاری، تحرک و بیداری‌های بزرگی را رقم زد که نه‌تنها تضمین سلامت جامعه، که الهام‌بخش مبارزات در گوشه‌وکنار جهان شد. تأثیر این ایثار و خلوص را در رزمندگان لبنان نیز می‌توان یافت.

دوازده - همچنان که انقلاب عاشورا تضمین بقا و سلامت مکتب و اسلام نوپایی شد که محصول ۲۳ سال تلاش پیامبر(ص) و مجاهدت صحابه بزرگ بود، مجاهدت‌های هشت‌سال دفاع مقدس نیز تضمین بقا و سلامت انقلاب اسلامی شد (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۰: ۴).

### ۱۳- رهبری حضرت امام خمینی(ره)

رهبری مهم‌ترین عامل پیروزی و شکست و حفظ روحیه و پیشگیری از آسیب‌های روانی در جنگ است. شخصیت عرفانی و حماسی حضرت امام(ره) از ایشان، رهبر و فرمانده‌ای بی‌نظیر در دوران دفاع مقدس ساخته بود که نگرش، آموزه‌ها و سیره‌ی ایشان تأثیر عمیق انکارناپذیری بر روحیه‌ی ملت و رزمندگان و آمادگی‌های آنان در برابر دشمنان داشت. عشق و محبت و صف‌ناپذیر آحاد ملت و رزمندگان اسلام به ایشان از باورهای دینی آنان سرچشمه می‌گرفت. حضرت امام(ره) جنگ تحمیلی را به دفاع مقدس و حماسه‌ی باشکوه ملت ایران تبدیل نمود، انسان‌های فراوانی را از چارچوب جهان مادی خارج ساخت و با الهام از تعالیم و آموزه‌های غنی دینی و سیره‌ی پیشوایان معصوم(ع) آن‌ها را برای میدان نبرد با دشمنان آماده ساخت و اعجاب و شگفتی سیاستمداران و نظامیان دنیا را برانگیخت.

رزمندگان اسلام افزون بر محبت بسیار زیاد به حضرت امام(ره)، عمیقاً باور داشتند ایشان جانشین امام عصر(ع) است و از ولایت امام معصوم(ع) و شأن مرجعیت دینی و زعامت سیاسی جامعه‌ی اسلامی برخوردار است. از این رو در چارچوب این باور ولایت حضرت امام(ره) را در ادامه‌ی ولایت معصوم(ع) پذیرفته و به لوازم آن پایبند بودند و اطاعت و پیروی از آنان را بر خود واجب می‌دانستند. بنیاد شهید انقلاب اسلامی در تحلیل محتوای وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس در یک پژوهش آماری ذکر کرده است:

در هر وصیت‌نامه به‌طور میانگین چهار بار رزمندگان اسلام جایگاه امام، ولایت و به‌ویژه امام زمان(ع) و ولی فقیه را مورد تأکید قرار داده و رهبری امام و ولی فقیه را به‌عنوان کسی که از سوی خداوند متعال در مکتب ما، اطاعت فرمائش واجب است، مورد تأکید قرار داده‌اند (پیام انقلاب، ش ۳۵۲، ۱۳۷۶، ص ۱۵-۱۶).

#### ۱۴- حضور روحانیت در جبهه، ارتقای توان رزمی و مقابله با جنگ روانی دشمن

حضور گسترده‌ی روحانیون و علمای عظام در جبهه‌های جنگ مانند آیت‌... اشرفی اصفهانی، آیت‌... میرزاآقای تهرانی، آیت‌... مشکینی، آیت‌... شهیدمدنی، آیت‌... صدرالدین حائری و طلاب و روحانیون جوان که دوشادوش سایر رزمندگان با دشمنان اسلام می‌جنگیدند، جنگ روانی دشمنان اسلام را که روحانیون معزز را هدف قرار داده بود خشتی می‌کرد. آن‌ها تبلیغ می‌کردند «اگر جنگ و دفاع مقدس است، چرا روحانیون به جبهه نمی‌آیند و خود نمی‌جنگند»، ولی مردم و رزمندگان می‌دیدند که روحانیون گران‌قدر در سنگرهای حق علیه باطل حضور دارند. از طرف دیگر موجب بالارفتن روحیه و انگیزه‌ی سایر اقشار و رزمندگان و در نتیجه ارتقاء توان رزمی جان‌برکفان نیروهای مسلح و نیروهای مردمی می‌شدند. یکی دیگر از ترفندهای دشمن بمباران و موشک‌باران شهرهای مرزی به‌منظور ایجاد رعب و وحشت در مردم غیور و مرزنشین جمهوری اسلامی، تخلیه‌ی شهرهای مذکور و در نتیجه کاهش امکانات پشتیبانی از رزمندگان اسلام بود. در این رابطه، ائمه‌ی محترم جمعه از جمله مرحوم حجت‌الاسلام جمی امام‌جمعه‌ی محترم آبادان، حجت‌الاسلام نوری امام‌جمعه‌ی محترم خرمشهر، حجت‌الاسلام جزایری امام‌جمعه‌ی اهواز، آیت‌... شهید اشرفی اصفهانی امام‌جمعه‌ی محترم کرمانشاه و مرحوم حجت‌الاسلام عسگری امام‌جمعه‌ی محترم و رزمنده‌ی گیلانغرب با حضور دلیرانه‌ی خود در این شهرها با برگزاری نماز جمعه و جماعت

موجب حفظ جمعیت شهری و بالابردن استقامت و روحیه‌ی ایثار و از خودگذشتگی در مردم شده و نقشه‌ی شوم دشمنان را نقش بر آب کردند. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در شأن مقام شامخ شهدای طلاب و روحانیون می‌فرماید: «چه سعادت‌مند و بلند اخترند شهدایی که در جوار رحمت الهی در کنار امام عارفان، خمینی کبیر (ره)، آرمیده‌اند».

### نتیجه‌گیری

وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هرچند باعث بروز خسارت‌های فراوانی شد، اما تجربه‌ی دفاع در برابر این تهاجم زمینه‌ساز پدیدار شدن دستاوردهای عظیمی شد که در گذشته و امروز باعث وقوع تحولات بنیادینی در سطح داخلی و خارجی و در ابعاد مختلف شده است. همچنان که مقام معظم رهبری در آخرین بیانات خود درباره‌ی دستاوردهای دفاع مقدس فرمودند: «با وجود آنکه هزینه‌های مادی و معنوی جنگ تحمیلی بالا بود، اما دستاوردهای ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس، در مقابل هزینه‌ها، بسیار عظیم است». دستاوردهایی که متکی بر نیروی معنوی نهفته در ملت مسلمان ایران بود و در واقع دفاع مقدس باعث نمود عینی این قدرت نهفته در درون ملت شد. آنچه توانست ملت ایران را در برابر تهاجم گسترده‌ی رژیم بعث عراق مقاوم نگه دارد، تکیه بر فرهنگ دفاعی بود که ریشه در ارزش‌های اسلامی از قبیل شهادت‌طلبی، صبر و پایداری، ایثار، جهاد، و ... داشت. دشمنان انقلاب و اسلام پس از اینکه دریافتند نمی‌توانند از لحاظ نظامی بر ملت اسلامی ایران غلبه کنند، تصمیم گرفتند این بار از لحاظ فرهنگی و قدرت نرم اهداف خود را پیش ببرند. تغییر رویه‌ی غرب در مقابله با نظام اسلامی جمهوری اسلامی ایران از جنگ سخت به جنگ نرم مبتنی بر القاء تفکرات ضدایدئولوژی اسلامی در بین مردم، انتخاب دفاعی مناسب و متناسب را ضروری می‌کند؛ دفاعی که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی، تأکید بر تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و توجه به نگاه ایجابی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مقوله‌ی فرهنگ امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو بهره‌گیری از تجربیات دفاع مقدس می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارها جهت دفاع فرهنگی در مواجهه با تهدیدهای فرهنگی دشمنان مؤثر باشد.

### فهرست منابع

قرآن کریم.

صحیفه‌ی امام.

اصغری، محمود (۱۳۸۸): جهت‌گیری جهادی پیامبر، فصلنامه‌ی اندیشه‌ی حوزه، سال پانزدهم، شماره‌ی اول.

اصغری‌نژاد، محمد (۱۳۸۵)، یک فروغ از رخ ساقی، قم، امام سجاد. آقابخش، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷): مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۱.

بابایی، محمدباقر (۱۳۸۴)، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی(ع)، تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، چاپ اول.

پسندیده، عباس (۱۳۸۶)، اتحاد و نظریه‌ی اقتدار در فلسفه سیاسی اسلام، فصلنامه‌ی حکومت اسلامی، شماره‌ی ۴۴.

تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۰)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم، مرکز تحقیقات اسلامی. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۸)، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، نشر: مؤسسه‌ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوانی، یدالله (۱۳۸۷)، نقش معنویت در تولید قدرت ملی، فصلنامه‌ی مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره‌ی ۳۹.

جوشقانی، حسین (۱۳۸۹): جنگ نرم از دیدگاه قرآن، تهران، نشر ساقی. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۱): توزیع قدرت در اندیشه‌ی سیاسی شیعه، تهران، نشر هستی‌نما. حسین پورپویان، رضا (۱۳۸۷): بسیج و کاربرد قدرت نرم در دوران هشت‌سال دفاع مقدس، در قدرت نرم، جلد ۳، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات و تحقیقات بسیج. سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)، تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

مرکز پژوهش‌های فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، سفیران نور.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳): بنیادهای علم سیاست تهران، نشر نی.

عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۷۶)، قوانین و مقررات کلی جنگ و دفاع در اسلام، نشریه‌ی میان‌رشته‌ای مصباح، شماره‌ی ۲۲.

ردادی، محسن (۱۳۸۹): منابع قدرت نرم، سرمایه‌ی اجتماعی در اسلام، تهران، امام صادق (ع).

رستمی، ابراهیم (۱۳۸۴)، ظنین همت، قم، نشر جمال، چاپ دوم.

رشید، غلامعلی (۱۳۹۱)، ارائه‌ی مدلی مبتنی بر مدیریت دانش جهت ترویج فرهنگ دفاع مقدس،

فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره‌ی ۶.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۸)، زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، نشر عطار.

قبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه‌ی موردی جنگ تحمیلی، دوره‌ی ۱۵، شماره‌ی ۵۷.

کالینز، جی. ام (۱۳۷۳)، استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها، ترجمه‌ی کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۹)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.

کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، انتشارات قومس.

کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، نشر قومس.

کریمی، مصطفی و دیگران (۱۳۸۸): راه و راهنماشناسی، مبانی اندیشه‌ی اسلامی ۳، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

گی‌روشه (۱۳۶۷)، کنش اجتماعی، ترجمه‌ی هما زنجانی، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)؛ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، نشرنی، تهران، چ ششم.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، جهاد، انتشارات اسلامی.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۶)، نبرد فاو، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه‌ی سیدرضا میرطاهر، تهران، نشر قومس.

وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۹): وحدت و هم‌گرایی در اندیشه‌ی اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

یزدانی، عنایت‌الله و احسان شیخون (۱۳۹۱)، قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر

پدیده‌ی فرهنگ، فصلنامه‌ی مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره‌ی پنجم.

Hwang, Karl (2008); "New thinking in measuring national power, prepared for the WISC Second Global International Studies Conference"; Available at: [www.wiscnetwork.org/ljubljana2008/papers/WISC\\_2008-137.pdf](http://www.wiscnetwork.org/ljubljana2008/papers/WISC_2008-137.pdf).

Ghosh, P. K. (2009); The Chinese concept of comprehensive national power: an overview, *Air Power Journal*, Vol. 4 No. 4, winter, P. 17-54.

Gray, Colin (Fall 1981); "National Style in Strategy: The American Example", *International Security*, Vol. 6, No. 2.

Johnston, Alastair I. (1995); *Cultural Realism: Strategic Culture and Grand Strategy in Chinese History*, Princeton: Princeton University Press.

Heywood, Andrew (2002); *Politics*, MacMillan, Palgrave.

Marshall, Gordon (1998); *A Dictionary of Sociology*, Oxford and New York, Oxford University Press.

Root, Dave (2007); "Christian Spirituality Maturity / Spiritual Authority", in *Evangelism Heading and Teaching Resources*, available at: <http://www.Lavyhands.com/spiritualmarurity-hm>.